

سرشت‌های عاطفی و اختلالات خلقی: مروری بر آخرین یافته‌ها

فرهاد فرید حسینی، روان‌پزشک، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

اصطلاح سرشت به مؤلفه‌های پایدار زیستی شخصیت اطلاق می‌شود که تعیین‌کننده سطح فعالیت، ریتم سیرکادین، تنظیم خلق و هیجان و شناختواره‌ها است. سرشت خلقی مفهومی قدیمی در فهم ماهیت آسیب‌شناسی روانی بود که توسط آکسکال به‌روز شد و به کژتنظیمی‌های پایدار با مبنای زیستی اطلاق می‌شود که حلقه واسط میان عوامل مستعد کننده ژنتیکی و بروز اختلالات خلقی می‌باشد. سرشت‌های خلقی فنوتیپ تحت بالینی اختلالات خلقی هستند که بروز زودرس دارند و در طی زمان پایدار می‌باشند. مطالعات متعدد ارتباط میان سرشت‌های عاطفی و بروز اختلالات خلقی مانند افسردگی، بیماری دوقطبی، افکار خودکشی گرا و تکانش‌گری را نشان داده‌اند. ۵ نوع سرشت عاطفی پیشنهاد شده است: افسرده، سیکلوتایمیک، تحریک‌پذیر، مضطرب و هیپرتایمیک. این سرشت‌های خلقی اشکال ساب سندرمال اختلالات خلقی ماژور هستند که به شکل پایدار و به‌مثابه رگه شخصیتی بروز می‌کنند و در تعیین پلاریته، شکل‌گیری علائم اختلالات خلقی ماژور، سیر اختلال و هم‌ابتلائی‌ها مانند اختلالات خوردن و مصرف مواد نقش دارند. شیوع سرشت‌های عاطفی در جمعیت حدود ۲۰ درصد است و بعضی از سرشت‌ها در خانم‌ها و بعضی در آقایان غالب می‌باشد. مطالعات ژنتیک مولکولی نشان‌دهنده نقش سیستم سروتونرژیک و دوپامینرژیک (در مورد سرشت هایپرتایمیک) می‌باشد. سرشت‌های عاطفی (به‌ویژه نوع سیکلوتایمیک) در بروز رفتارهای خودکشی و خودآسیب رسان در اختلالات خلقی و همچنین سایر اختلالات از جمله اختلال وسواسی اجباری نقش دارد یا می‌تواند در مورد سرشت هایپرتایمیک نقش حفاظتی داشته باشد. سرشت هایپرتایمیک می‌تواند در میزان تاب‌آوری و انسجام خانوادگی در بیماران افسرده نقش داشته باشد که دلالت بر نقش سرشت‌های عاطفی در پیش‌آگهی و سیر اختلالات خلقی دارد. سرشت‌های عاطفی (به‌ویژه سیکلوتایمیک) با سایر اختلالات روان‌پزشکی مانند اختلال وسواسی اجباری، اختلالات خوردن، مصرف مواد، اختلالات سوماتوفرم ارتباط دارند و بر سیر این اختلالات تأثیر می‌گذارند و اخیراً شواهدی در مورد نقش این سرشت‌ها (به‌ویژه هایپرتایمیک) در بیماری‌های قلبی عروقی به‌ویژه پرفشاری خون و تصلب شرایین به دست آمده است.